

## نور اخلاص

و تاریکی‌های انجام دادن اعمال آخرتی به نیت کسب دنیوی  
(در پرتو قرآن و سنت)

مؤلف: نیازمند الله تعالی

دکتر. سعید بن علی بن وهف قحطانی

مترجم:

پدرام اندایش

## بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و برای الله و به یاد الله، مبحثی مختصر را شروع می‌کنیم که درباره‌ی اخلاص می‌باشد، امر مهمی که الله تعالی در قرآن، آن را یکی از راه‌های نجات معرفی فرموده است، آنجا که شیطان طغیان می‌کند و طلب تکبر می‌نماید و به عزت الله تعالی قسم یاد می‌کند که تمامی بندگان را گمراه خواهد ساخت، مگر کسانی که با اخلاص گشته‌اند؛ الله تعالی نیز این سخن او را تایید می‌فرماید، برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی راه‌های ورود شیطان می‌توانید به کتاب تلبیس ابلیس رجوع کنید ولی آنچه در قرآن برای نجات یافتن از دست شیطان بیان شده است، اخلاص و توکل به الله تعالی می‌باشد.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌جوییم و از او طلب آموزش می‌نماییم و به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و بدی اعمالمان. کسی را که الله متعال هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که او گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحقّی جز الله متعال وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی باشد؛ صلی الله علیه و علی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلی یوم الدین، وسلم تسلیماً کثیراً.

اما بعد:

این مطلبی کوتاه است که نور اخلاص و تاریکی‌های انجام دادن عمل آخرتی به نیت کسب دنیا، در آن بیان شده است: مفهوم اخلاص و اهمیت آن و منزلت نیت صالح و خطر انجام دادن عمل صالح برای کسب دنیوی و خطر ریا و انواع و اقسام آن و اثر آن بر عمل و اسباب آن و چیزهایی که باعث دفع آن می‌شود و همچنین راه‌های بدست آوردن اخلاص در این مطلب مختصر بیان شده است.

شکی وجود ندارد که اخلاص سبب یاری شدن [از طرف الله تعالی] و پیروزی می‌باشد و همچنین نجات یافتن از عذاب الله تعالی و بالا رفتن منزلت در دنیا و آخرت و رستگاری و دوست داشتن الله متعال و دوست داشتن اهل آسمانها و زمین توسط شخص با اخلاص، می‌گردد در حقیقت این گونه است که آن نوری است که الله تعالی در قلب هر کدام از بندگان که بخواهد قرار می‌دهد: [وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ] <sup>1</sup> (و کسی که الله برای او نوری قرار ندهد، برای او نوری وجود نخواهد داشت)، انجام دادن عمل آخرت برای دنیا، تاریکی‌هایی است که بعضی از آنها بر بعضی دیگر سایه افکنده‌اند؛ زیرا آن با کامل بودن توحید منافات دارد و عمل کسی که گرفتار آن شود را باطل می‌کند، الله می‌فرماید: [مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُجْسِرُونَ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ] <sup>2</sup> (کسی که زندگی دنیوی و زینت آن را بخواهد، اعمال آنها را بدون کم و کاستی

1 - سورة النور، الآية: 40.

2 - سورة هود، الآيتان: 15-16.

در آن به آنها می‌دهیم و حقی از آنها در آن ضایع نمی‌گردد \* آنان کسانی هستند که در آخرت چیزی برایشان نخواهد بود، مگر آتش جهنم و آنچه انجام داده‌اند باطل می‌گردد و آنچه را که به آن عمل می‌کنند پوچ و بی‌فایده می‌گردد).

در این کتاب دو مبحث آمده است و در هر مبحث این مسائل بیان می‌شود:

مبحث اول: نور إخلاص:

مطلب اول: مفهوم إخلاص.

مطلب دوم: اهمیت اخلاص.

مطلب سوم: منزلت نیت صالح و میوه‌های آن.

مطلب چهارم: ثمره‌ی اخلاص و فایده‌های آن.

مبحث دوم: تاریکی‌های انجام عمل آخرت برای کسب دنیا:

مطلب اول: خطر خواست دنیا با عمل آخرت.

مطلب دوم: انواع عمل برای دنیا.

مطلب سوم: خطر ریا و ضررهای آن.

مطلب چهارم: انواع ریا و ریزه کاری‌های آن.

مطلب پنجم: اقسام ریا و اثر آن بر عمل.

مطلب ششم: سبب‌های پیدایش ریا و دفع‌کننده‌های آن.

مطلب هفتم: راه‌های کسب اخلاص و علاج نمودن ریا.

از الله تعالی با اسم اعظمش که اگر با آن درخواستی صورت گیرد، آن را عطا می‌فرماید و اگر توسط آن دعایی انجام شود، اجابت می‌کند، می‌خواهم که تا این عمل اندک را برای رضایت‌مندی صورت گرامی خودش به شکلی پُربرکت و خالص قرار دهد، و باعث تقرب مؤلف، [مترجم] خواننده، چاپ‌کننده و ناشر آن شود و باعث رسیدن به بالاترین درجه‌ی بهشت که همان فردوس است گردد، توسط آن به من در زندگی و بعد از مرگ سود برساند و توسط آن به هرکس را که به آن مربوط است، سود رسانده شود. الله تعالی بهترین درخواست شده و گرامی‌ترین کسی است که از وی آرزو صورت می‌گیرد، او برای ما کافی است و نیک‌نگهبانی می‌باشد و هیچ قدرت و توانی بدون اذن الله والا و بزرگ وجود ندارد و صلوات و سلامتی و برکت بر پیامبرمان و بر آلش و بر اصحابش و کسی که از آنها تا روز قیامت، در نیکی تبعیت کند.

مؤلف: سعید بن علی بن وهف القحطانی

تحریر آن در عصر روز سه‌شنبه در تاریخ 1419/10/16 هـ صورت گرفته است

## مبحث اول: نور إخلاص

### مطلب اول: مفهوم إخلاص

إخلاص در لغت: خَلَصَ يَخْلُصُ خُلُوصًا است که معنای آن صفا و پاکی از هر آمیختگی است، گفته می‌شود: «خَلَصَ مِنْ وَرْطَةٍ» (از گرفتاری راحت شد) به معنای آن است که از آن سلامت ماند و نجات یافت. گفته می‌شود: «خُلِصَ تَخْلِیصًا»: به معنای نجات یافتن است. إخلاص در اطاعت دینی: به معنای ترک ریا است(1).

حقیقت إخلاص این است که بنده با عملش فقط نیت تقرب به الله تعالی را به طور یکتا داشته باشد.

اهل علم تعریف‌هایی از آن دارند که بعضی از آنها به بعضی دیگر نزدیک می‌باشند:

گفته شده است: إخلاص یعنی یکی کردن نیت در اطاعت در حق الله سبحانه.

گفته شده است: إخلاص به معنای درست بودن عمل بنده در ظاهر و باطن است، و ریا به این معناست که ظاهر آن از باطنش بهتر باشد و راستگویی در إخلاص به معنای آن است که باطن بهتر و آبادتر از ظاهر باشد.

گفته شده است: تصویبهی عمل از هر آمیختگی در آن(2).

بر اساس آنچه آمد: شرح إخلاص آن است که انجام عمل فقط برای تقرب یافتن به الله تعالی به شکلی یکتا باشد و در آن ریا و قصد آن که مردم از وی خوب بگویند و طلب نمایش دادن زوال پذیر و تصنعی وجود نداشته باشد و فقط امید به ثواب الله تعالی و ترس از مجازات وی و طمع رضایتمندی وی وجود داشته باشد.

به همین دلیل قاضی عیاض رحمه الله گفته است: «ترک عملی به نیت مردم ریا است و انجام عملی برای مردم شرک است و إخلاص آن است که الله از هر دوی آنها برای تو کافی باشد»(3).

إخلاص در زندگی مسلمان به آن معناست که او عمل، سخن، سایر رفتارها و آموزش دانش برای رضایتمندی الله تعالی به طور یکتا و بی‌شریک باشد و برای خدایی به غیر از وی صورت نپذیرد.

### مطلب دوم: اهمیت إخلاص

الله تعالی مخلوقات را آفریده است: شامل جنیان و انسانها می‌باشد و برای این آنها را آفریده است که او را به شکلی یکتا و بی‌شریک عبادت کنند و تمامی افراد مکلف را به إخلاص امر می‌نماید و می‌فرماید: [وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ] (4) (و امر نشدند مگر آن که الله را در دینش مخلصانه عبادت کنند). همچنین الله تعالی می‌فرماید: [إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ \* أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ] (5) (ما کتاب را به حق بر تو نازل نمودیم، پس الله را در دین به طور مخلصانه عبادت کن! \* به هوش که برای الله دین خالص می‌باشد)، [قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي

(1) المعجم الوسيط، 249/1، ومختار الصحاح، ص77.

(2) مدارج السالكين، لابن القيم، 91/2.

(3) انظر: مدارج السالكين، لابن القيم، 91/2.

(4) سورة البينة، الآية: 5.

(5) سورة الزمر، الآيتان: 2-3.

وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ [1] (بگو: همانا نماز من و قربانی من و زندگی من و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است \* شریکی ندارد و به آن امر شده‌ام و من اولین مسلمانان (تسلیم شدگان در برابر امر الله تعالی) هستم). همچنین می‌فرماید: [الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا] [2] [و] کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند که کدام یک از شما در عمل نیکوتر است).

فضیل بن عیاض گفته است: آن خالصش می‌گرداند و آن را درست می‌کند. گفتند: ابو علی چه چیز آن را خالص می‌گرداند و آن را درست می‌کند؟ گفت: «اگر عمل خالص باشد و درست نباشد، پذیرفته نمی‌شود و اگر خالص نباشد قبول نمی‌شود، حتی اگر درست باشد، خالص آن است که فقط برای الله [تعالی] و درست آن است که مطابق سنت باشد» (3). سپس این سخن الله تعالی را قرائت کرد: [فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا] (4) (کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد، پس عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک نگرداند) و الله تعالی می‌فرماید: [وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ] (5) (چه کسی در دین نیکوتر از کسی است که صورتش را تسلیم الله نموده است در حالی که او نیکوکار می‌باشد). تسلیم کردن وجه: اخلاص نیت و عمل برای الله تعالی است و نیکوکاری در آن تبعیت از رسول الله و سنتش است (6).

انس بن مالک آورده است که رسول الله فرمود: «ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيْنَهُنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ أَبَدًا: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَاصَحَةُ وُلَاةِ الْأَمْرِ وَلزُومُ الْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ نُحَيْطُ مِنْ وِرَائِهِمْ» (7) (سه چیز است که قلب مسلمان هرگز برایش سنگین نمی‌شود: اخلاص در عمل برای الله و خیرخواهی صاحبان امر و لزوم اهل جماعت بودن و دعای آنها از پشت سرشان مستجاب می‌شود).

اخلاص همان روح عمل مسلمان است و مهمترین صفات وی می‌باشد و بدون آن کوشش و عملش، گرد و غباری پراکنده می‌باشد.

به اتفاق نظر امامان اسلام اخلاص از مهمترین اعمال قلب می‌باشد و شکی نیست که اعمال قلب، اصل می‌باشد، اعمال قلب مانند: دوست داشتن الله تعالی و فرستاده‌اش و توکل بر وی و اخلاص داشتن برای وی و ترس از او و امید به او؛ اعمال اعضای بدن نیز تابع آن می‌باشد؛ نیت به منزله‌ی روح می‌باشد و عمل به منزله‌ی اعضای بدن که اگر بدون روح شوند، می‌میرند و شناخت احکام قلب مهمتر از شناخت احکام اعضای بدن است.

بر مسلمان واجب است که برای الله خالص باشد و به دنبال ریا و تعریف مردم و ستایش آنها و مدح و ستودن آنها نباشد، بلکه عمل صالح را انجام می‌دهد و به سوی الله تعالی دعوت می‌نماید، فقط برای آن که رضایت وی را می‌خواهد، همان گونه که الله سبحانه می‌فرماید: [ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ ] (8) (بگو: این راه من است که به سوی الله دعوت می‌

(1) سورة الأنعام، الآيتان: 162-163.

(2) سورة الملك، الآية: 2.

(3) مدارج السالكين، لابن القيم، 89/2.

(4) سورة الكهف، الآية: 110.

(5) سورة النساء، الآية: 125.

(6) مدارج السالكين، لابن القيم، 90/2.

(7) أخرجه الترمذي، في كتاب العلم، باب: ما جاء في الحديث على تبليغ السماع، 34/5، برقم 2658 من حديث عبد الله بن مسعود، وأخرجه أحمد، 183/5 من حديث زيد بن ثابت، وصححه الألباني في مشكاة المصابيح، 78/1.

(8) سورة يوسف، الآية: 108.

دهم)، همچنين الله سبحانه می‌فرماید: [ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ ]<sup>(1)</sup> (چه کسی در سخن نیکوتر از کسی است که به سوی الله دعوت دهد).

اخلاص از بزرگترین صفات می‌باشد که بر تمامی مسلمانان واجب است و دعوت آنها و عمل آنها فقط برای رضایتمندی الله تعالی و سرزمین آخرت می‌باشد و همچنین بر کسانی که می‌خواهند تا مردم را اصلاح نمایند و آنان را از تاریکی‌ها خارج نمایند و به سوی نور سوق دهند نیز واجب است<sup>(2)</sup>.

### مطلب سوم: منزلت نیت صالح و ثمرات آن

نیت: اساس عمل و قاعده‌ی آن می‌باشد و رأس امور بوده و ستون آن است و اصلی است که بر اساس آن [عمل] بنا می‌شود؛ زیرا آن روح عمل است و فرماندهی آن و راننده‌ی آن می‌باشد، عمل تابع آن است و با درست بودن آن درست می‌شود و با به فساد کشیدن آن به فساد کشیده می‌شود و توسط آن توفیق می‌یابد، در صورت وجود نداشتن نیت صالح خواری حاصل می‌شود و بر حسب آن درجات دنیوی و اخروی تفاوت می‌یابد<sup>(3)</sup>؛ به همین دلیل پیامبرم فرموده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى...»<sup>(4)</sup> (اعمال فقط وابسته به نیت آنها می‌باشند و برای هر شخصی آن چیزی است که نیت کرده است...)

الله تعالی می‌فرماید: [لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا]<sup>(5)</sup> (خیری در زیاد درگوشی صحبت کردن وجود ندارد، مگر کسی که به صدقه‌ای یا امر نیکی یا اصلاح بین مردم، امر کند و کسی که آن را برای کسب رضایتمندی الله انجام دهد، برای او اجر بزرگی خواهد بود).

این آیه به اهمیت و منزلت نیت راهنمایی می‌کند، دعوت کنندگان به سوی الله تعالی و دیگر مسلمانان، نیز نیاز به اصلاح نیت دارند، اگر آن اصلاح گردد به بنده اجر بزرگ و ثواب زیادی داده می‌شود، حتی اگر عملی انجام ندهد، البته این در حالتی است که نیتش صادقانه باشد؛ به همین دلیل پیامبرم فرموده است: «إِذَا مَرَضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُتِمِّمًا صَاحِحًا»<sup>(6)</sup> (اگر بنده مریض شود یا در سفری باشد [و عبادات او کم شود] به مانند زمانی که در سفر نیست و سالم می‌باشد، به او اجر داده می‌شود). همچنین پیامبرم فرموده است: «مَا مِنْ امْرِئٍ تَكُونُ لَهُ صَلَاةٌ بَلِيلٍ فَيَغْلِبُهُ عَلَيْهَا نَوْمٌ إِلَّا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ صَلَاتِهِ، وَكَانَ نَوْمُهُ صَدَقَةً عَلَيْهِ»<sup>(7)</sup> (شخصی نیست که نیت نماز شب نماید و خواب بر او غلبه کند، [اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که الله اجر نماز او را برایش می‌نویسد و خوابش صدقه می‌باشد).

همچنین فرموده است: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ عَامِدًا إِلَى الْمَسْجِدِ فَوَجَدَ النَّاسَ

(1) سورة فصلت، الآية: 33.

(2) انظر: مجموع فتاوى سماحة الشيخ ابن باز، 349/1 و 229/4.

(3) انظر: النية وأثرها في الأحكام الشرعية للدكتور صالح بن غانم السدلان، 151/1.

(4) متفق عليه من حديث عمر بن الخطاب ر: البخاري، كتاب بدء الوحي، باب: كيف كان بدء الوحي إلى رسوله p، 9/1، برقم 1. ومسلم، كتاب الإمارة، باب: قوله p: ((إنما الأعمال بالنية))، 1515/3، برقم 1907.

(5) سورة النساء، الآية: 114.

(6) البخاري، كتاب الجهاد والسير، باب: يكتب للمسافر ما كان يعمل في الإقامة، 200/4، برقم 2996.

(7) أبو داود، كتاب الصلاة، باب من نوى القيام فنام، 24/2، برقم 1314. والنسائي، كتاب قيام الليل، وتطوع النهار، باب من كان له صلاة بليل فغلبه عليها نوم، 275/3، برقم 1784. وصححه الألباني في إرواء الغليل، 204/2، وصحيح الجامع، 160/5 برقم 5567.

فَدَّ صَلَّوْا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِثْلَ أَجْرٍ مَنْ حَضَرَهَا وَلَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا» (1) (کسی که وضوی نیکویی بگیرد و به نیت رفتن به مسجد بیرون بیاید و مردم را در حالتی بیاید که نماز خود را تمام کرده‌اند، الله به مانند آن که در [نماز جماعت] بوده است به او اجر می‌دهد و این از اجر آنها نمی‌کاهد).

همچنین فرموده است: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ» (2) (کسی که از الله صادقانه شهادت را طلب کند، الله او را به منازل شهدا می‌رساند، حتی که در رختخوابش بمیرد).

این دلیلی بر بخشش الله، و نیکوکاری‌اش به بندگان‌ش می‌باشد؛ به همین دلیل پیامبرم در غزوه‌ی تبوک فرمود: «إِنَّ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامًا مَا سِرْتُمْ مَسِيرًا وَلَا قَطَعْتُمْ وَاذِيًا إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ» (افرادى در مدینه هستند که راهی را طی نکردید و دره‌ای را نپیمودید، مگر آن که همراه شما بودند)، گفتند: ای رسول الله! چگونه همراه ما هستند در حالی که آنها در مدینه می‌باشند؟ فرمود: «حَبَسَهُمُ الْعُدْرُ» (3) (عذر داشتن آنها را [از با ما بودن] منع نمود).

نیت صالح باعث می‌شود تا الله تعالی اعمال آسان را زیاد نماید؛ به همین دلیل پیامبرم به مردی که ذره پوشیده بود و به رسول الله گفت: بجنگم یا مسلمان شوم؟ فرمود: «أَسْلِمْتَ نَمْ قَاتِلْ» (مسلمان شو بعد بجنگ؟)، آن مرد اسلام آورد سپس جنگید و کشته شد و رسول الله فرمود: «عَمَلٌ قَلِيلًا وَأَجْرٌ كَثِيرًا» (4) (عملی کم و اجرى زیاد [بود]).

مردی نزد رسول الله آمد و اسلام آورد و رسول الله به او اسلام را می‌آموخت و این در حالی بود که آنها در مسیری بودند، پای شترش در سوارخ موش صحرايي فرو رفت و شترش [افتاد] و گردن او شکست، رسول الله فرمود: «عَمَلٌ قَلِيلًا وَأَجْرٌ كَثِيرًا» (عمل کم و اجر زیاد). حماد(یکی از راویان حدیث) آن را سه بار تکرار کرد(5).

با نیت صالح، الله تعالی در اعمال مباح برکت قرار می‌دهد و توسط آنها به بنده ثواب می‌دهد؛ به همین دلیل پیامبرم فرموده است: «إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى أَهْلِهِ يَحْتَسِبُهَا فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ» (6) (اگر مردی برای اهلس خرجی نماید و آن را به نیت ثواب انجام دهد، برای او [اجر] صدقه را دارد)، همچنین پیامبرم به سعد بن ابی وقاص فرمود: «إِنَّكَ لَنْ تُنْفِقَ نَفَقَةً تَبْتَغِي بِهَا وَجَهَ اللَّهِ إِلَّا أُجِرْتَ عَلَيْهَا حَتَّى مَا تَجْعَلَ فِي فِي أَمْرَاتِكَ» (7) (تو هرگز مالی را در حالی که رضایتمندی الله را طلب می‌نمایی، انفاق نمی‌کنی مگر آن که توسط آن به تو اجر می‌رسد، حتی آنچه را که در دهان زنت می‌گذاری).

(1) أبو داود، كتاب الصلاة، باب فيمن خرج يريد الصلاة فسبق بها، 154/1، برقم 564. والنسائي، كتاب الإمامة، باب حد إدراك الجماعة، 111/2، برقم 855. وقال ابن حجر في فتح الباري: ((إسناده قوي))، 137/6.

(2) مسلم، كتاب الإمامة، باب استحباب طلب الشهادة في سبيل الله تعالى، 1517/3، برقم 1909.

(3) البخاري، كتاب الجهاد والسير، باب من حبسه العذر عن الغزو، 280/3، برقم 2839، وأبو داود، كتاب الجهاد، باب الرخصة في القعود من العذر، 12/3، برقم 2058، واللفظ له.

(4) متفق عليه من حديث البراء ر: البخاري، كتاب الجهاد والسير، باب: عمل صالح قبل الجهاد، 271/3، برقم 2808، واللفظ له. ومسلم، كتاب الإمامة، باب ثبوت الجنة للشهيد، 1509/3، برقم 1900.

(5) مسند الإمام أحمد، 357/4.

(6) متفق عليه من حديث أبي مسعود ر: البخاري، كتاب الإيمان، باب ما جاء أن الأعمال بالنية والحسبة، ولكل امرئ ما نوى، 24/1، برقم 55. ومسلم، كتاب الزكاة، باب فضل النفقة والصدقة على الأقربين، والزوج، والأولاد، 625/2، برقم 1002.

(7) متفق عليه: البخاري، كتاب الإيمان، باب ما جاء أن الأعمال بالنية، 24/1، برقم 56. ومسلم، كتاب الوصية، باب الوصية بالثلث، 1250/3، برقم 1628.

پیامبرم فرموده است: «إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةِ نَفَرٍ عِنْدَ رَزَقِهِ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالًا وَعِلْمًا فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ وَيَصِلُ فِيهِ رَحْمَهُ وَيَعْلَمُ بِهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ حَقَّهُ قَالَ فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ قَالَ وَعِنْدَ رَزَقِهِ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عِلْمًا وَلَمْ يَزُرْهُ مَالًا قَالَ فَهُوَ يَقُولُ لَوْ كَانَ لِي مَالٌ عَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ قَالَ فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ قَالَ وَعِنْدَ رَزَقِهِ اللهُ مَالًا وَلَمْ يَزُرْهُ عِلْمًا فَهُوَ يَخْبِطُ فِي مَالِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَصِلُ فِيهِ رَحْمَهُ وَلَا يَعْلَمُ بِهِ حَقَّهُ فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ قَالَ وَعِنْدَ لَمْ يَزُرْهُ اللهُ مَالًا وَلَا عِلْمًا فَهُوَ يَقُولُ لَوْ كَانَ لِي مَالٌ لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ قَالَ هِيَ نَيْبُهُ فَوَزُرُ هُمَا فِيهِ سَوَاءٌ» (1) (دنیا فقط برای چهار نفر می‌گذرد: بندهای که الله Y به او مال و علمی را روزی می‌دهد، او در آن از پروردگارش تقوا پیشه می‌کند و حق صله رحم آن را بجا می‌آورد و آنچه از حق آن که مربوط به الله Y می‌شود را می‌داند، فرمود: این برترین مرتبت‌ها است و فرمود: مردی الله Y به او علمی روزی می‌دهد، در حالی که مالی را به او روزی نمی‌دهد، او می‌گوید: اگر مالی داشتم به مانند فلانی درباره‌ی آن عمل می‌نمودم، فرمود: اجر هر دوی آنها یکی است، فرمود: بندهای است که الله به او مالی را روزی می‌دهد، در حالی که علمی را به او روزی نمی‌دهد و او در مالش به غیر علم رفتار می‌کند و در آن از پروردگارش Y، تقوا پیشه نمی‌کند و درباره‌ی آن صله رحم بجا نمی‌آورد و حق الله درباره‌ی آن را نمی‌داند، این خبیث‌ترین مرتبت‌ها است، فرمود: و بندهای است که الله مال و علمی را به او روزی نمی‌دهد و او می‌گوید: اگر مالی داشتم به مانند فلانی با آن [در کار خیر] رفتار می‌نمودم، فرمود: این نیت است و توشه‌ی آنها [برای آخرت] یکی است).

پیامبرم از جانب پروردگارش فرموده است: «إِنَّ اللهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَإِنْ هُوَ هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِ مِائَةٍ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَإِنْ هُوَ هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللهُ لَهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً» (2) (الله نیکی‌ها و بدی‌ها را می‌نویسد، سپس آن را این گونه بیان فرمود: کسی که نیت کار نیکی را انجام دهد و آن را انجام ندهد، الله برای او یک نیکی کامل می‌نویسد و اگر آن نیت را به انجام برساند و به آن عمل نماید، الله برای او ده برابر تا هفتصد برابر و بلکه بیشتر [نیکی] می‌نویسد، کسی که نیت عمل بدی را انجام دهد و به آن عمل ننماید، الله برای او نیکی کاملی می‌نویسد و اگر او نیت آن را داشته باشد و به آن عمل نماید، الله برای او یک بدی می‌نویسد).

مطلب چهارم: ثمره‌های اخلاص و فواید آن

اخلاص دارای ثمره‌های ستوده و فواید جلیل و بزرگی است، از آنها:

اول: دست یابی به خیر دنیا و آخرت از فضایل اخلاص و ثمره‌های آن می‌باشد.

دوم: إخلاص به همراه لزوم تبعیت از پیامبرم از بزرگترین سبب‌ها برای قبول شدن اعمال صالح است.

سوم: إخلاص باعث به وجود آمدن محبت الله تعالی در بنده می‌شود، سپس محبت ملائک و قبولی بر آنچه بر روی زمین است می‌شود.

چهارم: إخلاص ستون عمل و روح آن می‌باشد.

پنجم: باعث می‌شود تا با عملی آسان و دعایی کم، اجر بزرگ و ثواب عظیمی برده شود.

(1) الترمذی، کتاب الزهد، باب ما جاء مثل الدنيا مثل أربعة نفر، 562/4، برقم 2325، وابن ماجه، کتاب الزهد، باب النية، برقم 4228، وأحمد، 130/4، وصححه الألبانی، في صحيح الترمذی، 270/2.

(2) متفق عليه من حديث ابن عباس رضي الله عنهما: البخاري، كتاب الرقاق، باب من هم بحسنة أو سيئة، 239/7، برقم 6491، ومسلم، كتاب الإيمان، باب إذا هم العبد بحسنة كتبت له وإذا هم بسينة لم تكتب، 1171/1، برقم 131.

ششم: شخص دارای اخلاص هر عملی را به نیت رضایتمندی الله تعالی انجام دهد، برای او ثواب نوشته می‌شود، حتی اگر آن کار مباح باشد.

هفتم: شخص دارای اخلاص، برای هر عملی را که نیت کند که آن را انجام دهد، برای او ثواب نوشته می‌شود، حتی اگر او آن را انجام ندهد.

هشتم: اگر خواب بماند یا فراموش کند، آن عملی را که انجام نداده است، ثواب آن را می‌برد.

نهم: اگر بنده مریض شود و یا در سفری باشد، به دلیل اخلاصش، ثواب او طوری نوشته می‌شود که سالم بوده است و در سفر نبوده است.

دهم: الله تعالی با اخلاص امت را یاری نموده و پیروز می‌گرداند.

یازدهم: اخلاص باعث نجات از عذاب آخرت می‌شود.

دوازدهم: راحت شدن از طوفانهای بلاهای دنیوی و آخرتی از ثمره‌های اخلاص است.

سیزدهم: بالا رفتن درجات آخرتی توسط اخلاص حاصل می‌گردد.

چهاردهم: راهایی از گمراهی.

پانزدهم: اخلاص باعث زیاد شدن هدایت می‌شود.

شانزدهم: خوشنام شدن نزد مردم از ثمره‌های اخلاص می‌باشد.

هفدهم: اطمینان خاطر در قلب و احساس خوشبختی.

هجدهم: زیبا شدن ایمان در درون.

نوزدهم: توفیق همنشینی با اهل اخلاص پیدا کردن.

بیستم: خاتمه یافتن زندگی به شکلی نیکو.

بیست و یکم: استجاب دعا.

بیست و دوم: نعمت در قبر و بشارت داده شدن به شادی.

بیست و سوم: داخل شدن به بهشت و نجات یافتن از آتش جهنم.

[بیست و چهارم: فریب شیطان را نخوردن]

این ثمره‌ها دلایل بسیاری دارد که از قرآن و سنت استخراج می‌شود<sup>(1)</sup>.

از الله تعالی برای خودم و برادران مسلمانم طلب می‌نمایم تا در سخن و عملمان به ما اخلاص عطا نماید.

مبحث دوم: تاریکی‌های انجام عمل آخرت به نیت دنیا

مطلب اول: خطر خواست دنیا با عمل آخرتی

خطر بزرگی است که انسان عمل صالحی را انجام دهد، در حالی که نیت وی کسب دنیوی باشد و این شرک است و با کامل بودن توحید واجب، تضاد دارد، توسط آن عمل باطل می‌گردد و آن از ریا بدتر است؛ زیرا کسی که دنیا را می‌خواهد، بسیاری از اعمال او را این مسأله در برمی‌گیرد، ولی ریا باعث می‌شود تا شخص عملی را انجام می‌دهد که ثوابی ندارد و این امر او ادامه نمی‌یابد و مؤمن از این و آن برحذر می‌باشد.

فرق بین ریا و خواست دنیا توسط انسان با عملش: آنها به طور عموم و خصوص با یکدیگر فرق دارند، در هر دوی آنها خواسته می‌شود تا عمل نزد مردم زیبا جلوه کند؛ تا او را ببینند و او را بزرگ شمارند و او را مدح نمایند و این ریا است، همچنین خواست دنیا نیز می‌باشد، زیرا شخص در این حالت عمل خود را نزد مردم زیبا جلوه می‌دهد و طلب گرمی-

(1) يدل على ذلك ما تقدم في المطلبين السابقين، وانظر: كتاب الإخلاص لحسين العوايشة، ص 64.

داشتن و مدح و ستایش از آنها را دارد.

اما عمل دنیا این است که انسان عمل صالحی را برای دنیا انجام می‌دهد و هدف او ریا کردن نزد مردم است و فقط آن را برای کسب متاع دنیا انجام می‌دهد به مانند: کسی که به جای شخصی دیگر حج می‌نماید تا مالی کسب کند، یا جهاد می‌نماید تا غنیمت بدست آورد، یا به مانند آن، ریاکار عمل را برای مدح و ستایش مردم انجام می‌دهد. عمل کننده برای دنیا، عمل صالح را انجام می‌دهد در حالی که هدف او برای کالای دنیوی می‌باشد. هر دوی آنها زیانکار هستند، به الله تعالی پناه می‌بریم از چیزهایی که باعث خشمگین شدن وی و عذاب دردناکش می‌شوند(1).

نصوصی آمده است که دلیلی بر زیانکار بودن انجام دهنده‌ی عمل آخرت برای دنیا می‌باشد:

الله تعالی می‌فرماید: [مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُنْحَسُونَ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ](2) (کسانی که زندگی دنیوی و زیبایی آن را بخواهند، آن را به طور کامل به آنها می‌دهیم و در آن کاستی نمی‌یابند \* آنان کسانی هستند که در آخرت چیزی برای آنها نمی‌ماند، مگر آتش جهنم و آنچه را که در آن [دنیا] انجام داده‌اند، باطل می‌گردد و آنچه را که انجام می‌دادند پوچ می‌شود).

الله Y می‌فرماید: [مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا](3) (کسی که زندگی نزدیک را بخواهد، در آن هر چه را بخواهیم زود به او می‌دهیم، سپس جهنم را برای وی قرار می‌دهیم که در آن خوار و رانده شده در می‌آید).

الله تعالی می‌فرماید: [مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ](4) (کسی که بهره‌ی آخرت را بخواهد، بر بهره‌ی او می‌افزاییم و کسی که بهره‌ی دنیا را بخواهد، از آن به او می‌دهیم و در آخرت نصیبی نخواهد داشت).

الله I می‌فرماید: [فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ](5) (از انسانها کسی است که می‌گوید: پروردگار ما! در دنیا به ما عطا فرما و در آخرت برای او چیزی نخواهد بود).

پیامبرم فرموده است: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُنْتَعَى بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرَفَ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»(6) (کسی که علمی را بیاموزد که شایسته آن می‌باشد که توسط آن رضایتمندی الله Y طلب شود و آن را بیاموزد مگر برای آن که به کالایی از دنیا دست یابد، روز قیامت بوی بهشت نیز به او نمی‌رسد).

جابر ح آورده است که پیامبرم فرمود: «لَا تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ لِتَبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءَ وَلَا لِتُمَارُوا بِهِ

(1) انظر: فتح المجيد، ص442، وتيسير العزيز الحميد، ص534.

(2) سورة هود، الآية: 15-16.

(3) سورة الإسراء، الآية: 18.

(4) سورة الشورى، الآية: 20.

(5) سورة البقرة، الآية: 200.

(6) أبو داود، كتاب العلم، باب: في طلب العلم لغير الله، 3/323، برقم 3664، وابن ماجه، في المقدمة، باب الانتفاع بالعلم، 93/1، برقم 252، وصححه الألباني في صحيح سنن ابن ماجه، 48/1.

السُّفَهَاءَ وَلَا تَخَيَّرُوا بِهِ الْمَجَالِسَ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ النَّازُ»<sup>(1)</sup> (علم را نیاموزید تا توسط آن به علماء فخر بفروشید و سفیهان را به سوال کردن، و ندارید و در مجالس شاخص شوید، کسی که این عمل را انجام دهد، [مجازات وی] آتش جهنم است، آتش جهنم).

ابن مسعود<sup>ح</sup> گفته است: «علم را برای سه چیز فرا نگیرید: تا توسط آن در سفیهان سوال کردن ایجاد نمایید یا توسط آن با فقها بحث کنید یا توسط آن مردم را به سوی خودتان متوجه کنید و با سختان و عملتان آنچه نزد الله است را بخواهید، زیرا آن باقی است و تمامی غیر از آنچه در نزد وی است، از بین می‌رود»<sup>(2)</sup>.

الله تعالی خوشبختی را برای کسی که برای الله تعالی عمل می‌نماید، تضمین نموده است، انس<sup>ح</sup> آورده است که پیامبر<sup>ص</sup> فرمود: «مَنْ كَانَتْ الْأَخْرَةُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ»<sup>(3)</sup> (کسی که نیت کوششش برای آخرت باشد، الله بی‌نیازی او را در قلبش قرار می‌دهد و اطرافیان او را حول او جمع می‌نماید و دنیا را به او می‌دهد، در حالی که او از آن دور می‌باشد و کسی که نیت کوششش برای دنیا باشد، الله فقر را بین دو چشم او قرار می‌دهد و اطرافیان وی را پراکنده می‌کند و به او چیزی از دنیا را نمی‌دهد، مگر آنچه تقدیر شده است).

#### مطلب دوم: انواع اعمالی که برای دنیا صورت می‌گیرد

عمل برای دنیا انواع گوناگونی دارد، امام محمد تمیمی از آنچه از پیشینیان رسیده است، چهار مورد را ذکر می‌کند:

نوع اول: اعمال صالحی وجود دارند که عده‌ی زیادی از مردم آن را برای رضایت‌مندی الله تعالی انجام می‌دهند، مانند: صدقه، نماز، نیکی کردن به مردم و رد نمودن ظلم و دیگر چیزهایی که انسان آن را انجام می‌دهد یا آن را ترک می‌نماید، در حالی که این کار را خالصانه برای الله تعالی انجام می‌دهد؛ ولی گاهی شخصی ثواب آخرت آن را نمی‌خواهد و فقط آن را انجام می‌دهد تا الله متعال توسط آن به او پاداشی مثل: حفظ مال و زیاد شدن آن یا حفظ خانواده و عیالش یا ادامه یافتن نعمتهایی که به او و خانواده‌اش داده می‌شود، دهد و نیت او برای انجام آنها طلب بهشت و فرار از آتش جهنم نمی‌باشد، به همین دلیل پاداش عملش در دنیا به او داده می‌شود و در آخرت هیچ چیزی نخواهد داشت. این از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است.

نوع دوم: آن از اولی بزرگتر است و ترسناکتر می‌باشد، آن وقتی است که عمل صالح صورت می‌گیرد تا توسط آن نزد مردم ریا انجام پذیرد و آن برای آخرت انجام نمی‌گردد. آن از مجاهد رحمه الله تعالی روایت شده است.

نوع سوم: آن وقتی است که عمل صالحی انجام گیرد که هدف از انجام آن بدست آوردن مالی باشد، مانند کسی که برای دیگری حج می‌نماید، تا مالی بدست آورد، هدف او

---

(1) ابن ماجه 93/1، في المقدمة، باب الانتفاع بالعلم والعمل به، 93/1، برقم 254، وصحة الألباني في صحيح سنن ابن ماجه، 48/1، وصحيح الترغيب للألباني، 46/1، وفي الموضوعين أحاديث أخرى.  
(2) الدرامي، 70/1 موقوفًا، وابن ماجه عن أبي هريرة، في المقدمة، باب الانتفاع بالعلم والعمل به، 96/1، برقم 260، وحسنه الألباني في صحيح ابن ماجه، 48/1، وصحيح الترغيب والترهيب، 48/1.  
(3) الترمذي، كتاب صفة القيامة، باب: حدثنا قتيبة، 642/4، برقم 2465، وابن ماجه نحوه من حديث زيد بن ثابت<sup>ص</sup>، كتاب الزهد، 1375/2، برقم 4105، وصحة الألباني في صحيح الجامع، 351/5، والأحاديث الصحيحة، 950.

رضایت‌مندی الله تعالی و بدست آوردن سرزمین آخرت نمی‌باشد، یا برای بدست آوردن مال دنیا هجرت می‌کند تا آن را بدست آورد، یا برای بدست آوردن غنیمت جهاد می‌کند، یا علم کسب می‌کند تا مدرکی بدست بیاورد و این که به جاه و مقام برسد و هرگز هدف او رضایت‌مندی الله تعالی نمی‌باشد، یا قرآن می‌آموزد و یا بر نمازش مواظبت می‌کند، تا توسط آن کاری در مسجد پیدا کند یا برای وظایف غیر دینی این کار را می‌کند و هرگز آن را برای بدست آوردن ثواب انجام نمی‌دهد.

نوع چهارم: عملی را برای اطاعت از الله تعالی انجام می‌دهد و در آن الله متعال را یکتا و بی‌شریک قرار می‌دهد، ولی عملی را انجام می‌دهد که باعث کافر شدن وی و خروج او از اسلام می‌شود، همان گونه که در نقض کننده‌های ایمان آن را بیان داشته‌ایم، این از انس و دیگران روایت شده است<sup>(1)</sup>.

مسلمان باید از چیزی که عملش را باطل می‌کند و خشمگینی و غضب الله متعال را بر وی قرار می‌دهد، برحذر باشد. تمامی مسلمانان باید از انواع این فساد برحذر باشند و به الله از آن پناه می‌بریم.

### مطلب سوم: خطر ریا و آثارش

ریا خطری بزرگ برای فرد، جامعه و امت می‌باشد؛ زیرا آن، عمل را باطل می‌گرداند و پناه بر الله Y خطر آن در امور زیر آشکار می‌شود:

اول: توسط ریا، مسلمانان گرفتار امری می‌شوند که خطر آن از دجال بیشتر می‌باشد، پیامبر فرموده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا هُوَ أَخْوَفُ عَلَيْكُمْ عِنْدِي مِنَ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ»<sup>(2)</sup> (آیا شما را از چیزی باخبر سازم که از آن برای شما از مسیح دجال بیشتر می‌ترسم؟) گفت: گفتیم: بله، او فرمود: «الشِّرْكُ الْخَفِيُّ أَنْ يَقُومَ الرَّجُلُ يُصَلِّيَ فَيَزِينُ صَلَاتَهُ لِمَا يَرَى مِنْ نَظَرِ رَجُلٍ» (شرکی خفی است به طوری که مردی نماز می‌خواند در حالی که به نمازش زینت می‌دهد تا مرد دیگری به او نگاه کند).

دوم: شدت کشته شدن توسط ریا از شدت کشته شدن گوسفند توسط گرگ بیشتر است، پیامبر فرموده است: «مَا ذُنُوبَانِ جَائِعَانِ أُرْسِلَا فِي غَنَمٍ أَفْسَدَ لَهَا مِنْ حِرْصِ الْمَرْءِ عَلَى الْمَالِ وَالشَّرَفِ لِدِينِهِ»<sup>(3)</sup> (آنچه که از دو گرگ که نزد گوسفندان روند تا آنها را هلاک کنند برای شخص فاسد کننده‌تر است از حرص شخص بر مالش و شرف پدید کردن او توسط دینش می‌باشد).

این مثالی است که رسول الله آن را بیان فرموده است تا روشن سازد که دین توسط حرص بر مال فاسد می‌شود، زیرا آن او را از مشغول شدن به اطاعت از الله تعالی باز می‌دارد و همچنین حرص داشتن برای بدست آوردن شرف دنیوی از طریق دین نیز باعث فساد می‌شود، زیرا هدف از آن ریا و طلب خوشنامی می‌باشد.

سوم: خطر ریا بر اعمال صالح خطری بزرگ می‌باشد، زیرا آن باعث از بین رفتن

(1) انظر: فتح المجید شرح کتاب التوحید، ص 444، وتسير العزيز الحميد، ص 536، والقول السديد في مقاصد التوحید، للسعدی، ص 126.

(2) أخرجه ابن ماجه، كتاب الزهد، باب: الرياء والسمة، 2/1406، برقم 4204، وحسنه الألباني في صحيح سنن ابن ماجه، 2/410.

(3) الترمذی، كتاب الزهد، باب: حثتنا سوید، برقم 2376، 4/588، وأحمد، 3/456، وصححه الألباني في صحيح سنن الترمذی، 2/280.

برکت و باطل شدن آن می‌گردد، پناه بر الله، الله تعالی می‌فرماید: [كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ] (1) ... به مانند کسی که مالش را از روی ریا به مردم انفاق می‌کند، در حالی که به الله و روز آخرت ایمان ندارد، مثل او به مانند سنگ صاف و بزرگی است است که بر روی آن خاکی وجود دارد و بارانی شدید بر آن می‌بارد و آن را سخت و صاف باقی می‌گذارد، [ریاکاران] نیز از آنچه بدست آورده‌اند سودی نمی‌برند و الله گروه کافران را هدایت نمی‌نماید).

این آثار ریا است که عمل صالح را پوچ می‌گرداند، آن وقت برای ریاکار قدرت و یاری وجود نخواهد داشت و نمی‌تواند تا آن را رد کند.

الله تعالی می‌فرماید: [أَيُّدُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ] (2) (آیا کسی از شما دوست دارد تا برای او باغی از نخل و درخت انگور وجود داشته باشد که از زیر آن نهرها جاری است و برای او هر نوع میوه‌ای وجود دارد و در حالی که پیر شده است و فرزندان ضعیف دارد، ناگهان گردبادی که در آن آتش وجود دارد بر آن بوزد و آن بسوزد؟ این چنین الله آیات را برای شما روشن می‌سازد، بلکه تفکر کنید).

این عمل صالح است که اصل آن به مانند باغ بزرگی است که میوه‌های بسیاری دارد، آیا کسی از شما دوست دارد که این میوه‌ها و باغ بزرگ را داشته باشد، سپس ریا بر آن بوزد و در حالی که شخص شدیداً به آن نیاز دارد، آن را حقیقتاً پوچ گرداند؟!]

پیامبرم از پروردگارش روایت می‌کند: «أَنَا أَعْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشِّرْكِ مَنْ عَمَلَ مَعَنَا شُرْكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكَتُهُ وَشِرْكُهُ» (3) (من از داشتن شریکانی در شراکت بی‌نیاز هستم، کسی که عملی را انجام دهد و همراه من کسی را در آن شریک گرداند، [عمل] او و شرکش را ترک می‌کنم [و کنار می‌گذارم]).

همچنین در حدیث آمده است: «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ، نَادَى مُنَادٍ: مَنْ كَانَ أَشْرَكَ فِي عَمَلٍ عَمَلَهُ بِهِ أَحَدًا فَلْيَطْلُبْ ثَوَابَهُ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشِّرْكِ» (4) (وقتی الله اولین اشخاص و آخرین اشخاص [روی زمین] را در روز قیامت جمع می‌کند، روزی که شکی در آن نیست، ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد: کسی که در انجام دادن عملی برای الله کسی دیگری را شریک گردانده باشد، پس ثواب آن را از غیر الله بخواهد و الله از داشتن شریک در شراکت بی‌نیاز است).

چهارم: باعث عذاب آخرت می‌شود؛ اولین کسانی که آتش جهنم برای آنها آماده می‌شود: قرائت کننده‌ی قرآن، مجاهد، صدقه دهنده‌ی مال هستند، [البته] وقتی که آن کار را انجام دادند تا گفته شود: فلانی قرائت کننده‌ی قرآن است، فلانی شجاع است و فلانی بخشنده‌ی صدقه دهنده است و اعمال آنها برای الله تعالی خالص نمی‌باشد(5).

(1) سورة البقرة، الآية: 264.

(2) سورة البقرة، الآية: 266.

(3) مسلم، كتاب الزهد، باب: من أشرك في عمله غير الله، 2289/4، برقم 2985.

(4) الترمذي، كتاب تفسير القرآن، باب: ومن سورة الكهف، 314/5، برقم 3154، من حديث أبي سعد بن أبي فضالة الأنصاري، وابن ماجه، كتاب الزهد، باب الرياء والسمعة، 1406/2، برقم 4203، وحسنه الألباني في صحيح الترغيب والترهيب، 18/1، وفي صحيح الترمذي، 74/3.

(5) انظر: الحديث في صحيح مسلم، كتاب الإمارة، باب من قاتل للرياء والسمعة استحق النار، 1514/3، برقم

پنجم: ریا باعث ذلالت، خواری، پستی و آبرو ریزی است، پیامبرم فرموده است: «مَنْ سَمِعَ سَمَعَ اللَّهُ بِهِ، وَمَنْ يُرَائِي يُرَائِي اللَّهَ بِهِ»<sup>(1)</sup> (کسی که برای به شهرت رسیدن [عملی را انجام دهد] الله دستش را رو می‌کند و کسی که برای ریاکاری [عملی را انجام دهد] الله او را رسوا می‌کند).

ششم: ریا ثواب آخرت را حرام می‌کند، پیامبرم فرموده است: «بَشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّنَاءِ وَالرَّفْعَةِ وَالنَّصْرِ وَالنَّمَكِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَمَلَ عَمَلَ الْأَجْرَةِ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْأَجْرَةِ نَصِيبٌ»<sup>(2)</sup> (این امت را به بالا بودن منزلت، والایی، یاری و پیروزی و بالا رفتن مقام بر روی زمین بشارت بده! کسی که عمل آخرت را برای دنیا انجام دهد، در آخرت نصیبی نخواهد داشت).

هفتم: ریا باعث شکست امت می‌گردد، پیامبرم فرموده است: «إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِضَعِيفِهَا بِدَعْوَتِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ وَإِحْلَاصِهِمْ»<sup>(3)</sup> (الله این امت را فقط با ضعیفان نشان یاری می‌دهد و پیروز می‌گرداند، با دعایشان و نمازشان و اخلاصشان). این حدیث روشن می‌سازد که دلیل یاری و نصرت این امت بر دشمنانش، اخلاص برای الله تعالی می‌باشد و ریا باعث شکست امت می‌شود!

هشتم: ریا گمراهی را زیاد می‌کند، الله تعالی درباره‌ی منافقین می‌فرماید: [يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ \* فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ] (4) (الله و کسانی که ایمان آورده‌اند را فریب می‌دهند و کسی را فریب نمی‌دهند، مگر خودشان را و [الی آن را] احساس نمی‌کنند \* در قلبهایشان مرض وجود دارد و الله مرض آنها را می‌افزاید و برای آنها عذاب دردناکی است به واسطه دروغی که می‌گویند).

#### مطلب چهارم: انواع ریا و ریزه‌کاری‌های آن

انواع ریا زیاد می‌باشد، از آنها به الله پناه می‌بریم و انواع آن بدین گونه می‌باشد:

اول: مقصود بنده، کسی غیر الله تعالی می‌باشد و می‌خواهد و دوست دارد که مردم او را بشناسند و هدف او به طور مطلق اخلاص نمی‌باشد، به الله از آن پناه می‌بریم و این نوعی از نفاق است.

دوم: هدف و خواسته‌ی بنده، الله متعال می‌باشد و اگر مردم از عبادت او مطلع گردند، نشاط پیدا می‌کند و آن عبادت را نیک می‌گرداند، این شرک خفی است، پیامبرم فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَشِرْكَ السَّرَائِرِ» (ای مردم! شما را بر حذر می‌دارم از شرک خفی)، گفتند: ای رسول الله! شرک خفی چیست؟ فرمود: «يَقُومُ الرَّجُلُ فَيُصَلِّي فَيَزِينُ صَلَاتَهُ جَاهِدًا لِمَا يَرَى مِنْ نَظَرِ النَّاسِ إِلَيْهِ ، فَذَلِكَ شِرْكَ السَّرَائِرِ»<sup>(5)</sup> (مردی نماز می‌خواند و نمازش را نیکو

1905.

(1) متفق علیه: البخاري، كتاب الرقاق، باب الرياء والسمعة، 242/7، برقم 6499. ومسلم، كتاب الزهد، باب من أشرك في عمله غير الله، 2289/4، برقم 2986.

(2) مسند أحمد، 134/5، والحاكم، 418/4، وصححه الألباني في صحيح الترغيب، 15/1.

(3) روه النسائي بلفظه، كتاب الجهاد، باب الاستنصار بالضعيف، 45/6، برقم 3178، وأصله في صحيح البخاري، كتاب الجهاد والسير، باب من استعان بالضعفاء والصالحين في الحرب، 296/3، برقم 2896، وصححه الألباني في صحيح الترغيب، 6/1.

(4) سورة البقرة، الآيتان: 9-10.

(5) أخرجه ابن خزيمة في صحيحه، 67/2، برقم 937، وأخرجه البيهقي في السنن، 291/2، وحسنه الألباني في صحيح الترغيب والترهيب، 7/1.

جلوه می‌دهد در حالی که کوشش می‌کند که مردم به او نگاه کنند، این شرک خفی است).

سوم: بنده در عبادت الله متعال داخل می‌گردد و از آن خارج می‌گردد، توسط آن شناخته شده و ستایش می‌گردد و قلبش با آن ستایش آرامش می‌یابد، نفسش آرزو می‌کند تا ستایش شود و تمجید گردد و این عمل او به خواسته‌ی دنیایی داشتن، نزدیکتر است و این امر شادی و رغبت او را در آن عمل زیاد می‌کند و رسیدن به هدفش دلیل بر ریای خفی می‌باشد.

چهارم: این ریای بدنی است؛ مانند کسی که زردی و لاغری خود را آشکار می‌گرداند تا مردم، فکر کنند که انجام دهنده‌ی آن عبادت، ترس از آخرت بر وی غلبه پیدا کرده است.

همچنین با کم کردن صدا و شل کردن لبها طوری وانمود کند که مردم فکر کنند او روزه‌دار است.

پنجم: ریا در لباس پوشیدن: مانند کسی که لباس وصله‌دار می‌پوشد، تا مردم بگویند: او نسب به دنیا بی‌اعتناست، یا کسی که لباس خاصی را بپوشد که و هدف او این باشد که مردم او را از گروه خاصی بدانند، به مانند کسی که لباس علماء را می‌پوشد که گفته شود: فلانی عالم است.

ششم: ریا در سخن گفتن: اغلب این ریا توسط اهل دین در پند دادن و یادآوری، حفظ نمودن نقلیات و آثار، ایجاد می‌گردد؛ به سبب محاوره، مجادله، مناظره و اظهار زیاد بودن علم حاصل می‌گردد.

هفتم: ریا در عمل: به مانند نمازگزاری که نماز، رکوع، سجود و آشکار کردن خشوع را زیاد می‌گرداند و همچنین روزه، حج و صدقه‌ی خود را به نمایش می‌گذارد.

هشتم: ریا در همنشینی و دیدار: مانند کسی که به دیدن عالمی می‌رود تا گفته شود: فلانی به دیدار فلان عالم رفته است. مردم را دعوت می‌کند تا به دیدن وی بروند، تا گفته شود: اهل دین به نزد وی می‌روند.

نهم: ریا در نکوهش خود در بین مردم: آن را انجام می‌دهد تا مردم بگویند: فلانی متواضع است و نزد آنها مقامش بالا رود و او را به خاطر آن مدح نمایند، این از ریزه‌کاری‌های انواع ریا می‌باشد.

دهم: از ریزه‌کاری‌ها و مسائل مخفی ریا این است که عمل کننده اطاعتش را مخفی می‌دارد تا کسی از آن مطلع نگردد و با آشکار کردن اطاعتش خوشحال نمی‌شود، ولی او دوست دارد که وقتی مردم او را می‌بینند، اول آنها به او سلام دهند و با خشورویی و صبور بودن او را بوسه زنند و توسط آن وی ستایش شود، برای برطرف کردن نیازهایش شادمان گردند و در خرید و فروش با وی مسامحه کنند، و اگر امر این گونه نباشد، در درونش دردی حس می‌کند، به مانند آن که وی [دوست دارد] برای اطاعتی که مخفیانه انجام می‌دهد، مورد احترام قرار گیرد.

یازدهم: از ریزه‌کاری‌های ریا این است که اخلاص وسیله‌ای قرار گیرد که توسط آن خواسته‌ها برآورده می‌شود، شیخ الإسلام ابن تیمیة گفته است: «از ابوحامد غزالی حکایت شده است که به وی رسید که کسی که برای الله چهل روز اخلاص داشته باشد، حکمت از قلبش به زبانش آورده می‌شود. گفت: چهل روز اخلاص داشتم و چیزی به جایی نرسید، آن را نزد بعضی از عارفان بیان نمودم، [یکی از آنها] به من گفت: تو برای حکمت اخلاص یافته‌ای و برای الله خالص نگشته‌ای»<sup>(1)</sup>، این وقتی است که مقصود انسان رسیدن به بردباری و

(1) انظر: درء تعارض العقل والنقل لابن تیمیة، 66/6، ومنهاج القاصدين، ص214-221، والإخلاص

حکمت است، یا رسیدن به بزرگداشتن شدن توسط مردم و ستایش آنها از وی، یا چیزهای خواسته شده‌ای مانند آن. توسط این امور اخلاص برای الله تعالی و جلب رضایت‌مندی وی، حاصل نمی‌گردد و فقط چیزی حاصل می‌گردد که در واقع هدف همان بوده است.

### مطلب پنجم: اقسام ریا و اثر آنها بر عمل

ریا، به الله تعالی پناه می‌بریم از آن، دارای اقسام و درجاتی می‌باشد، شایسته‌ی هر مسلمان است که اقسام آن را بشناسد، تا بتواند با آن وارد جنگ گردد؛ آنها بدین گونه هستند:

اول: عمل ریای محض باشد و هدفی در آن وجود نداشته باشد، مگر آن که دیگران آن عبادت را ببینند، مانند وضع و حال منافقین؛ الله تعالی می‌فرماید: [وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَأَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا]<sup>(1)</sup> (و وقتی برای نماز می‌ایستند، با کسالت این کار را انجام می‌دهند، نزد مرد ریا می‌کنند و الله را یاد نمی‌کنند، مگر کمی)، این ریای محض می‌باشد و نزدیک شدن به آن توسط مؤمن در اعمال واجب مثل نماز و روزه، مقبول نمی‌باشد، همچنین در صدقه‌ی واجب و حج و دیگر اعمال ظاهری، در باطل بودن این عمل شکی وجود ندارد و کسی که آن را انجام دهد مستحق خشم الله Y و مجازاتش می‌باشد. پناه بر الله!

دوم: عمل برای الله تعالی صورت می‌پذیرد ولی ریا در اصل آن – اول آن تا آخر آن- چیز دیگری شریک قرار داده می‌شود، نصوص صحیحی وجود دارد که دلالت بر باطل بودن آن عمل و پوچ شدن آن، می‌کنند.

سوم: اصل عمل برای الله تعالی می‌باشد، سپس نیت ریا در گوشه‌ای از آن انجام می‌گیرد، این عبادت دو امر را در بر دارد:

1- اول عبادت به آخر آن مربوط نمی‌باشد، اول آن کاملاً در هر حالتی صحیح است و آخر آن باطل می‌باشد. مانند: نزد انسانی بیست ریال وجود دارد، می‌خواهد تا آن را صدقه دهد، ده ریال آن را خالصانه برای الله تعالی صدقه می‌دهد، سپس در ده ریال بعدی دچار ریا می‌شود، صدقه‌ی اول صحیح و قابل قبول است و صدقه‌ی دوم باطل است زیرا ریا با اخلاص در آمیخته است.

2- اول عبادت به آخر آن مرتبط است و این فقط در دو امر صورت می‌پذیرد:

امر اول: این ریا در فکر ایجاد می‌گردد، سپس انسان آن را دفع می‌نماید و به آن راضی نمی‌گردد و از آن روی برگردانده و کراهت می‌ورزد، در این حالت است که آن ریا به وی ضرر نمی‌رساند، زیرا پیامبرم فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِأُمَّتِي مَا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ يَتَكَلَّمُوا أَوْ يَعْمَلُوا بِهِ»<sup>(2)</sup> (الله از امت من بر این که چیزی در درونشان وجود داشته باشد، در می‌گذرد؛ به شرط آن که آن را به زبان نیاورده باشند و به آن عمل نکرده باشند).

امر دوم: ریا با او انس می‌گیرد و توسط آن به اطمینان خاطر می‌رسد، آن را دفع نکرده و دوستش می‌دارد و این باعث می‌شود تا تمامی عبادت باطل گردد؛ زیرا اول آن به آخر آن مربوط می‌باشد، مثال این مورد: شخصی نمازش را خالصانه برای الله تعالی شروع می‌کند، سپس ریا در رکعت دوم آن داخل گشته و نماز گذار به آن انس می‌گیرد و تا آخر نماز آن را

---

للعوايشة، ص24، والإخلاص والشرك الأصغر للدكتور عبد العزيز بن عبداللطيف، ص9، والرياء لسليم الهلالي، ص17.

(1) سورة النساء، الآية: 142.

(2) مسلم، كتاب الإيمان، باب: تجاوز الله عن حديث النفس والخواطر بالقلب إذا لم تستقر، 116/1، برقم 127.

ادامه می‌دهد، تمامی نماز باطل می‌شود، چون اول آن به آخر آن مربوط می‌باشد<sup>(1)</sup>.

چهارم: ریا بعد از تمام شدن عبادت انجام می‌پذیرد<sup>(2)</sup>.

اما اگر مسلمان عملی را خالصانه برای الله تعالی انجام می‌دهد، سپس الله متعال به خاطر آن، او را در قلب مؤمنان مورد ستایش قرار می‌دهد، در نتیجه مؤمن از بخشش و رحمت الله متعال شاد می‌شود و توسط آن به وی بشارت داده می‌شود، این ریا ضرری به او نمی‌رساند. از رسول الله ص دربارهی مردی که عملی از اعمال خیر را برای الله تعالی انجام می‌دهد، سپس مردم او را مورد ستایش قرار می‌دهند، سوال نمودند، او فرمود: «تِلْكَ عَاجِلُ بُشْرَى الْمُؤْمِنِ»<sup>(3)</sup> (این بشارت نزدیک برای مؤمن است).

مطلب ششم: سبب‌های ریا و چیزهایی که آن را دفع می‌کند.

اصل ریا، دوست داشتن جاه و مقام می‌باشد، کسی که دوست داشتن این موارد در قلبش جای داشته باشد، کوشش او بر بدست آوردن تأیید مخلوقات قرار می‌گیرد، از جلب نظر آنها شاد می‌گردد و برای آن که آنها از او ستایش کنند به مراعات اعمالش می‌پردازد، سخنان، اعمال و کارهایش برای بزرگ شدن نزد مردم صورت می‌پذیرد، این همان اصل بیماری و بلا می‌باشد؛ در نتیجه کسی که به آن رغبت داشته باشد، در عبادات احتیاج به ریا پیدا می‌کند و او امری که از او خواسته شده است تا آنها را انجام دهد را کوچک می‌شمارد.

این امری پوشیده است که کسی آن را نمی‌شناسد، مگر عالمان به الله تعالی، کسانی که او را می‌شناسند و دوست داشتن چیزی توسط آنها فقط علتش آن است که الله تعالی آن چیز را دوست می‌دارد.

برای توضیح دادن به این مریضی مهلک به سه اصل باز می‌گردیم:

اول: دوست داشتن لذت ستوده شدن و مورد ستایش و مدح قرار گرفتن.

دوم: فرار از نکوهش شدن.

سوم: طمع داشتن به آنچه نزد مردم است<sup>(4)</sup>.

شاهد آن حدیثی است که ابو موسی اشعری آن را بیان داشته است، گفته است: مردی نزد پیامبر آمد و گفت: آیا کسی می‌تواند از روی شجاعت بجنگد و [یا] از روی تعصب بجنگد و [یا] از روی ریا بجنگد، کدامیک از آنها [جهاد] در راه الله می‌باشد؟ فرمود: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>(5)</sup> (کسی که برای این بجنگد که سخن الله تعالی بالاتر است [و باید اجرا شود، فقط] آن در راه الله است).

سخنش p: از روی شجاعت بجنگد، یعنی یاد آورده شود و از او تشکر شود و مورد مدح و ستایش قرار بگیرد.

سخنش p: از روی تعصب بجنگد به معنای آن است که کسی سختش باشد که بر او غلبه صورت پذیرد و چیرگی بر او انجام گیرد و در نتیجهی آن شکست، مورد مذمت قرار بگیرد.

(1) انظر: هذه الأقسام بالتفصيل في جامع العلوم والحكم لابن رجب، 79/1-84، وفتح المجید، ص438، وفتاوی ابن عثیمین، 29/2.

(2) انظر: فتاوی ابن عثیمین، 30/2.

(3) مسلم، کتاب البر والصلوة والأداب، 2034/4، برقم 2642.

(4) انظر: مختصر منهاج القاصدين لابن قدامة، ص221-222.

(5) متفق علیه: البخاري، كتاب الجهاد والسير، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا، 272/3، برقم 2810، ومسلم، كتاب الصلاة، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله، 1512/3، برقم 1904.

سختش p: از روی ریا بجنگد، به این معناست که مکان آن را به لذتی در قلبها برای رسیدن به جاه و مقام ببیند.

گاهی انسان به ستایش شدن رغبت پیدا می‌کند، ولی گاهی از نکوهش شدن جلوگیری می‌کند، مانند ترسویی بین شجاعان، در این حالت است که او ثابت قدم می‌گردد و فرار نمی‌کند، تا مورد مذمت و نکوهش قرار نگیرد و گاهی انسان از ترس آن که به خاطر جهلش او را نکوهش کنند، فتوا می‌دهد. این امور سه گانه است که به ریا تحریک می‌کنند و به سوی آن دعوت می‌نمایند، پس از آنها برحذر باشیم!

### مطلب هفتم: راه‌های کسب اخلاص و درمان ریا

به طور قطع مشخص گردید که ریا عمل را باطل می‌کند و باعث غضب الله تعالی و خشمگینی وی می‌شود و آن از هلاک کننده‌ها است و برای مسلمان خطری بزرگتر از مواجهه با مسیح دجال به وجود می‌آورد.

در این حال است که باید در از بین بردن آن و درمان کردن آن کوشش جدی و سریعی را انجام دهیم و اصل و فرع آن را از بین ببریم. این درمانی که توسط آن ریا از بین می‌رود و اخلاص به اذن الله تعالی حاصل می‌شود شامل موارد زیر است:

اول: شناخت انواع عمل برای دنیا و انواع ریا و اقسام آن و چیزهایی که آن را دفع می‌کنند و سبب‌هایی که آن را از بین می‌برند و رگ و پی آن را قطع می‌کنند، این دفع کننده‌ها و سبب‌ها در قبل بیان شد.

دوم: شناخت عظمت الله تعالی، با شناختن: اسمهایش، صفاتش و افعالش، معرفتی صحیح که بر اساس فهم درست از قرآن و سنت باشد و بر مذهب اهل سنت و جماعت قرار گیرد؛ اگر بنده بداند که الله تعالی به تنهایی کسی است که به او نفع و ضرر می‌رساند و به تنهایی عزت می‌بخشد و ذلیل می‌گرداند، پایین می‌آورد و بالا می‌برد، عطا می‌کند و منع می‌نماید، زنده می‌کند و می‌میراند و چشم خیانت‌کار را می‌شناسد و آنچه در سینه‌ها مخفی می‌شود را می‌داند، وقتی این را فهمید و دانست که الله تعالی کسی است که به تنهایی مستحق عبادت است و شریکی ندارد، در این حالت است که به اخلاص صادقانه دست می‌یابد. گریزی نیست که شناخت انواع توحید به شکلی صحیح باید صورت پذیرد.

سوم: شناخت آنچه الله تعالی در سرزمین آخرت از نعمت، عذاب، حالت‌های مرگ و عذاب قبر مهیا ساخته است؛ وقتی بنده این را شناخت و اگر شخص عاقلی باشد، از ریا به سوی اخلاص فرار می‌کند.

چهارم: ترس از انجام دادن عمل آخرت برای دنیا و این که ریا عمل را باطل می‌کند؛ کسی که از امری بترسد از آن خودداری می‌کند و از آن نجات می‌یابد؛ کسی که بترسد، شبانه سیر می‌کند و کسی که شبانه سیر کند به هدف می‌رسد.

شایسته شخص است، بلکه بر وی واجب است تا وقتی به آفت دوست داشتن ستایش و مدح شدن، گرفتار می‌شود، آفت‌های ریا را برای خود یادآوری کند و خود را از خشمگینی الله تعالی حفظ نماید و کسی که نیازمندی مردم و ضعیف بودن آنها را بشناسد، [از این مریضی] راحت می‌شود، همان گونه که بعضی از پیشینیان  $\text{ؑ}$  گفته‌اند: «در درونت کوشش کن تا اسباب دفع کردن ریا در تو به وجود آید، حریص باش به گونه‌ای که انسانها نزد تو مانند چهارپایان و بچه‌ها باشند تا برای تو فرقی نداشته باشد که در هنگام عبادت تو در حاضر باشند یا غایب از آن آگاهی داشته باشند یا آن را ندانند و به این که الله تعالی به شکلی

یکتا از آن باخبر باشد، فناعت کن!»<sup>(1)</sup>.

الله را به تنهایی [بشناس!] سپس از باطل شدن عملت بترس، این امر باعث می‌شود تا اهل علم و ایمان از ریا و باطل شدن عمل نجات یابند، محمد بن لبید آورده است که پیامبر فرمود: «إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرَ» (از بیشترین چیزی که برای شما از آن می‌ترسم، شرک اصغر است)، گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول الله؟! فرمود: «الرِّيَاءُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جُزِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ أَذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تُرَاءُونَ فِي الدُّنْيَا فَاَنْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عِنْدَهُمْ جَزَاءً» (ریا، الله Y در روز قیامت وقتی مردم به اعمالشان پاداش و مجازات داده می‌شوند، می‌فرماید: به نزد کسانی که در دنیا ریا می‌کردند بروید و ببینید آیا پاداشی نزد آنها باقی مانده است)<sup>(2)</sup>.

از روی این خطر بزرگ، صحابه<sup>۱۲</sup> و تابعین و اهل علم و ایمان از این بلا خطرناک می‌ترسند. مثالهای زیر برای این امر آمده است:

1- الله تعالی می‌فرماید: [وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ] <sup>(3)</sup> (و کسانی که آنچه را که باید بدهند می‌دهند، در حالی که قلبشان ترسان و هراسان است از این که به سوی پروردگارشان بازگردند)، عایشه رضی الله عنها گفت: ای رسول الله! آیا او کسی است که زنا می‌کند و دزدی می‌نماید و شراب می‌نوشد؟ فرمود: «لَا يَا بِنْتُ أَبِي بَكْرٍ (أَوْ يَا بِنْتُ الصِّدِّيقِ) وَكَئِنَّهُ الرَّجُلُ يَصُومُ وَيَتَصَدَّقُ وَيُصَلِّي وَهُوَ يَخَافُ أَنْ لَا يُتَقَبَلَ مِنْهُ» <sup>(4)</sup> (نه ای دختر ابوبکر (یا ای دختر صدیق) آن مردی است که روزه می‌گیرد و صدقه می‌دهد و نماز می‌خواند، در حالی که می‌ترسد که از وی قبول نشود).

2- ابن ابی ملیکه گفته است: «سی نفر از اصحاب پیامبر را دیدم، تمامی آنها از نفاق خودشان می‌ترسیدند و حتی یکی از آن نمی‌گفت: ایمان او به حد جبرئیل و میکائیل می‌باشد»<sup>(5)</sup>.

3- ابراهیم تیمی گفته است: «سخنم را به علم عرضه نکردم مگر آن که ترسیدم که دروغ گفته باشم»<sup>(6)</sup>.

4- آمده است که حسن [بصری گفته] است: «کسی از آن نمی‌ترسد، مگر مؤمن و کسی از آن ایمن نمی‌گردد، مگر منافق»<sup>(7)</sup>.

5- عمر بن خطاب به حذیفة رضی الله عنهما گفت: «تو را به الله قسم می‌دهم، آیا پیامبر نام مرا در بین آنها - یعنی منافقینی [که پیامبر نام آنها را به حذیفة گفته بود] - یاد فرمود؟» او جواب داد: خیر ولی کسی را بعد از تو به پاکی یاد نمی‌کنم [و نمی‌گویم او منافق نیست]<sup>(8)</sup>.

6- ابودرداء گفته است: «یا الله! به تو پناه می‌برم از خشوع منافقانه»، گفته شد: خشوع

(1) انظر: الإخلاص والشرك الأصغر، ص 15.

(2) أحمد في المسند، 428/5، وصححه الألباني في صحيح الجامع، 45/2.

(3) سورة المؤمنون، الآية: 60.

(4) ابن ماجه، كتاب الزهد، باب: التوقي في العمل، 1404/2، برقم 4198، والترمذي، كتاب تفسير القرآن، باب: ومن سورة ((المؤمنون))، 327/5، برقم 3175، وصححه الألباني في سلسلة الأحاديث الصحيحة، برقم 162، وفي صحيح ابن ماجه، 409/2.

(5) البخاري معلقاً مجزوماً به، قال ابن حجر: وصله ابن أبي خيثمة في تاريخه. انظر: فتح الباري، 110/1.

(6) البخاري مع الفتح معلقاً ومجزوماً به. قال ابن حجر: وصله المصنف في التاريخ. انظر: فتح الباري، 110/1.

(7) البخاري مع الفتح، وقال ابن حجر: وصله جعفر الفريابي في كتاب صفة المنافقين، وصححه. انظر: الفتح، 111/1.

(8) ابن كثير بنحوه، في البداية والنهاية، 19/5، وانظر: صفات المنافقين لابن القيم، ص 36.

منافقانه چیست؟ فرمود: «حالتی است که بدن در خشوع دیده می‌شود و قلب خاشع نمی‌باشد»<sup>(1)</sup>.

7- ابودرداء گفته است: «اگر به یقین برسم که یکی از نمازهایم، قبول شده است برای من دوست داشتنی‌تر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد، الله می‌فرماید: [إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ]<sup>(2)</sup> (الله فقط از پرهیزکاران قبول می‌کند)».

8- عبد الرحمن بن أبي لیلی گفته است: «صد و بیست نفر از انصار [۱۷] از اصحاب رسول الله را دیده‌ام، هر کدام از آن سوالی از وی پرسیده می‌شد و کسی از آنها نبود، مگر آن که دوست داشته باشد که برادرش برای او کافی باشد»<sup>(3)</sup>.

پنجم: فرار از نکوهش الله تعالی؛ زیرا از سبب‌های ریا فرار از نکوهش مردم است، ولی عاقل می‌داند که فرار از نکوهش الله متعال سزاوارتر است؛ زیرا نکوهش او خواری و زشتی می‌باشد، همان گونه که مردی به رسول الله گفت: ستایش شدن توسط چه کسی برای من زیباست و نکوهش او برای من زشت است؟ او فرمود: «ذَلِكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (او الله است)<sup>(4)</sup>.

شکی وجود ندارد که اگر بنده از مردم بترسد و برای رضایتمندی آنها خشم الله متعال را برای خود برگزیند، الله تعالی بر وی خشمگین می‌شود و بر وی غضب می‌نماید و مردم [نیز] بر وی خشمگین می‌شوند. آیا شما از غضب مردم می‌ترسید؟ اگر راستگو باشید، الله برای ترسیدن سزاوارتر است.

ششم: شناخت چیزی که شیطان از آن فرار می‌کند؛ زیرا شیطان سرچشمه‌ی ریا است و از امور بسیاری فرار می‌کند، از آنها: اذان، قرائت قرآن، سجده‌ی تلاوت، پناه برده به الله تعالی از او، یاد آوردن الله تعالی هنگام خروج از خانه و داخل شدن به مسجد به شکلی که دین آن را یاد داده است، محافظت از اذکار صبح و شام<sup>5</sup> و اذکار بعد از نماز و تمامی اذکاری که در قرآن و سنت به آنها توصیه شده است<sup>(6)</sup>.

هفتم: زیاد کردن انجام داده اعمال خیر و عبادت‌هایی که دیده نمی‌شود و پنهان نمودن آنها، مانند: نماز شب، صدقه‌ی پنهانی، گریه کردن فقط از روی خشیه‌ی<sup>7</sup> از الله تعالی، نمازهای سنت و نافله و دعای برای برادر ایمانی در خفی. الله بنده‌ای که پنهانکارانه تقوا دارد را دوست می‌دارد، سعد بن ابی وقاص<sup>8</sup> آورده است که رسول الله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ النَّقِيَّ الْخَفِيَّ»<sup>(8)</sup> (الله بنده‌ای که پرهیزکار، بی‌نیاز و پنهانکار باشد، را دوست می‌دارد).

هشتم: عدم توجه به نکوهش و ستایش مردم؛ زیرا آن سود و ضرری ندارد، بلکه واجب

(1) ذکره ابن القيم في صفات المنافقين، ص 36.

(2) ذکره ابن كثير في تفسيره، 41/2، وعزاه إلى ابن أبي حاتم، والآية: 27 من سورة المائدة.

(3) الدارمي في سننه، 53/1، وابن المبارك في الزهد، 140/1، برقم 49.

(4) أحمد في المسند، 488/3، 394/6، من حديث الأقرع بن حابس، وإسناده حسن، ورواه الترمذي وحسنه، برقم 3263.

5 - برای اطاعات بیشتر درباره‌ی اذکار صبح و شام که اثر شدیدی بر زندگی انسان، مخصوصاً بیماری‌های روانپزشکی دارد، می‌توانید به کتاب پناهگاه مسلمان چاپ انتشارات حرمین رجوع کنید. (مترجم)

(6) انظر التفصيل في ذلك: كتاب مقامع الشيطان في ضوء الكتاب والسنة لسليم الهلالي، وهو مهم جداً، والإخلاص لحسين العوايشة، ص 57-63.

7 - خشیه به ترسی می‌گویند که از روی ابهت و عظمت چیزی حاصل گردد. (مترجم)

(8) مسلم، کتاب الزهد، 2277/4، برقم 2965.

است که ترس از نکوهش الله تعالی باشد و شادی با بخشش الله متعال بدست می‌آید، الله Y می‌فرماید: [قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ] (1) (بگو: به فضل و رحمت او (الله متعال) است که باید شادمان گردند، آن از آنچه جمع نموده‌اند، بهتر است).

ای بنده‌ی الله تعالی! مدح و ستایش را قبول کن و آنچنان که عاشقان دنیا نسبت به آخرت بی‌تفاوت هستند، نسبت به آن دو بی‌تفاوت باش، اگر در این امر استقامت بورزی، اخلاص برایت راحت می‌شود(2).

بی‌اعتنایی نسبت به دوست داشتن مدح و ستایش آسان می‌شود وقتی که علم یقین حاصل شود که مدح و ستایش کسی به انسان نفع نمی‌رساند و نکوهش و سرزنش آنها، ضرری نمی‌رساند، مگر الله تعالی به تنهایی، نسبت به ستایشی که تو را زیبا نمی‌کند و نکوهشی که تو را زشت نمی‌کند، بی‌تفاوت باش، و نسبت به ستایشی که آن ستایش تمام زیبایی‌ها را به تو می‌دهد و نکوهشی که تمام زشتی‌ها را به تو می‌رساند، رغبت نشان بده! آن مقدر نمی‌شود، مگر با صبر و یقین؛ کسی که صبر و یقین نداشته باشد، مانند کسی است که می‌خواهد در دریا سفر کند در حالی که کشتی ندارد(3).

به کسی که تو را نکوهش می‌کند، بنگر که اگر راستگو بود و هدف او خیرخواهی باشد، هدیه و خیرخواهی او را قبول کن! او کسی است که عیوب تو را به تو نشان داده است؛ ولی اگر دروغگو بود به خودش ظلم کرده است و تو با سخن او منفعت برده‌ای؛ زیرا چیزی را به تو آموخته است که تو آن را می‌دانستی و خطایابی از تو را به تو معرفی کرده است که آنها را فراموش نموده بودی. اگر آن عیبجویی دروغی در مورد تو بود، تو از آن عیب خالی می‌باشی ولی عیوب دیگری داری، پس این نعمت الله تعالی را شکر کن که این شخص افترا زنده از عیوب تو مطلع نگردد و اگر در برابر این افترا صبور باشی و نیت کسب پاداش داشته باشی، باعث بخشیده شدن گناهانت می‌گردد و بر تو واجب است بدانی که این جاهل به خودش ظلم کرده است و خود را در معرض خشم الله تعالی قرار داده است؛ بهتر از وی باش و عفو کن و درگذر و برای او طلب آمرزش نما! [أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ] (4) (آیا دوست ندارید که الله شما را بیامرزد و الله بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده است).

نهم: مرگ را به یاد بیاور و آرزو را کوتاه کن! الله تعالی می‌فرماید: [كُلُّ نَفْسٍ دَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ] (5) (هر شخصی طعم مرگ را می‌چشد و فقط در روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل داده می‌شود، پس کسی که از آتش جهنم نجات پیدا کند و داخل بهشت گردد، همانا رستگار شده است و زندگی دنیوی چیزی جز کالای فریبنده نیست)، همچنین می‌فرماید: [وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّادًا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ] (6) (و کسی نمی‌داند که در فردای [خود] چه چیزی را کسب می‌کند و کسی نمی‌داند که در کدامین سرزمین خواهد مُرد، الله بسیار دانا و بسیار باخبر است).

دهم: ترس از پایان زندگی به بدی (سوء خاتمه)، بر بنده واجب است که بترسد که ریا

(1) سورة يونس، الآية: 58.

(2) الفوائد لابن القيم، ص 67.

(3) انظر: الفوائد لابن القيم، ص 268.

(4) سورة النور، الآية: 22.

(5) سورة آل عمران، الآية: 185.

(6) سورة لقمان، الآية: 34.

پایان اعمال او باشد و نهایت زندگی او قرار گیرد، زیرا در این صورت دچار ضرر سنگین و بزرگی می‌شود؛ زیرا انسان روز قیامت در حالی مبعوث می‌گردد که بر آن حال مُرده باشد و مردم بر اساس نیت‌هایشان برانگیخته می‌شوند و بهترین اعمال، اعمالی هستند که در انتهای زندگی صورت گیرند.

یازدهم: همنشینی با اهل اخلاص و تقوا؛ همنشین مخلص خیر را از شما دور نمی‌کند و او را اسوه‌ای صالح برای خودتان می‌یابید؛ ولی ریاکار و مشرک، اگر از عمل آنها تقلید شود، شما را در آتش جهنم می‌سوزاند.

دوازدهم: دعا و توسل به الله تعالی، می‌دانیم رسول الله (ص) آن را به ما آموخته است و فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا هَذَا الشِّرْكَ فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ» (ای مردم از این شرک تقوا پیشه کنید و بترسید که آن مخفی‌تر از راه رفتن مورچه است)، بعضی از صحابه (رضی الله عنهم) گفتند: چگونه از آن تقوا پیشه کنیم و آن مخفی‌تر از حرکت مورچه است، ای رسول الله! فرمود: «فَوَلُّوا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ وَنَسْتَعْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُ» (1) (بگوئید: یا الله! ما به تو پناه می‌بریم از این که به تو زره‌ای شرک بورزیم در حالی که آن را می‌دانیم و از آنچه نمی‌دانیم طلب آمرزش می‌کنیم).

سیزدهم: دوست داشتن یاد الله تعالی توسط بنده و برتری دادن یاد او بر دوست داشتن ستایش مخلوقات، الله تعالی می‌فرماید: [فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ] (2) (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم)، همچنین پیامبر (ص) از پروردگارش (ع) روایت فرموده است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي وَأَنَا مَعَهُ حِينَ يَذْكُرُنِي إِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأِ هُمْ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَإِنْ تَقَرَّبَ مِنِّي شَيْئًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا وَإِنْ تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا وَإِنْ أَتَانِي يَمِينِي أَتَيْتُهُ هَرَوَلَةً» (3) (من نزدیک گمان بندهام به من، با او رفتار می‌کنم و من همراه او هستم مادامی که مرا یاد می‌کند، اگر مرا در خودش یاد کند، من او را در خودم یاد می‌کنم و اگر مرا در جمعی یاد کند او را در جمعی بهتر از آن، یاد می‌کنم و اگر به اندازه‌ی یک وجب به من نزدیک شود، من به او اندازه‌ی یک ذراع<sup>4</sup> به او نزدیک می‌شوم و اگر به اندازه‌ی یک ذراع به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی یک باع<sup>5</sup> به او نزدیک می‌شود و اگر به نزد من راه بیاید، من به سمت او می‌دوم)، والله المستعان (5).

چهاردهم: طمع نداشتن به چیزی که نزد مردم است؛ اخلاص همراه دوست داشتن ستایش و مدح [مردم] و طمع آنچه در دست آنها است، با قلب یکجا جمع نمی‌شود، مگر آن که آب و آتش یکجا جمع شوند یا سوسمار و ماهی، اگر نفست از تو طلب اخلاص کرد آن را بر طمع برتری بده و قبول کن! اول با چاقوی ناامیدی طمع به آنچه در دست مردم است را ذبح کن و چیزی که ذبح طمع را آسان می‌کند، علم یقینی به این امر است که آنچه در آن طمع صورت می‌گیرد، در دست الله تعالی به صورتی یکتا، خزائن آن موجود می‌باشد و کسی غیر از او

(1) أخرجه أحمد، 403/4، وإسناده جيد، وغيره، وانظر: صحيح الجامع، 233/3، وصحيح الترغيب والترهيب للألباني، 19/1.

(2) سورة البقرة، الآية: 152.

(3) متفق عليه من حديث أبي هريرة ر: البخاري واللفظ له، كتاب التوحيد، باب قول الله تعالى: [ وَيُحِذِرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ ]، 216/8، برقم 7405، ومسلم، كتاب الذكر والدعاء، باب الحث على ذكر الله، 2061/4، برقم 2675.

4 - ذراع به اندازه ساعد دست است و باع به اندازه‌ی فاصله‌ی باز دو دست. (مترجم)

(5) انظر ما تقدم في: منهاج القاصدين، ص 221-223، وكتاب الإخلاص لحسين العوايشة، ص 41-64، والرياء ذمه وأثره السيئ في الأمة لسليم الهلالي، ص 61-72، والإخلاص والشرك الأصغر للدكتور عبد العزيز بن عبد اللطيف، ص 13.

مالک آن نمی‌باشد و کسی غیر از او چیزی را به بنده عطا نمی‌نماید(1).

پانزدهم: شناخت میوه‌های اخلاص و فایده‌های آن و عاقبت ستوده‌ی آن در دنیا و آخرت و همچنین این که اخلاص سبب یاری و پیروزی امت اسلامی می‌گردد و از عذاب الله Y نجات حاصل می‌شود و منزلت و درجات انسان در دنیا و آخرت بالا می‌رود و از تمام گمراهی‌ها در دنیا سلامتی حاصل می‌گردد و بنده به رستگاری دوست داشتن الله تعالی دست می‌یابد و اهل آسمان و زمین او را دوست می‌دارند و شهرت نیکو ایجاد می‌شود و از طوفانهای بلای دنیا و آخرت گشایش حاصل می‌گردد و اطمینان خاطر و احساس خوشبختی و توفیق بدست می‌آید و سختی‌ها و دشواری‌ها تحمل می‌گردد و ایمان در قلبها زینت پیدا می‌کند و دعا مستجاب شده و نعمت در قبر و بشارت به شادی حاصل می‌گردد. الله سبحانه توفیق دهنده است(2).

مسلمان کسی است که رضایتمندی الله تعالی و رستگاری به نجات یافتن توسط وی و دوست داشتن الله متعال را می‌خواهد، پس بر وی واجب است که مجاهدانه در بدست آوردن اخلاص و فرار از ریا کوشش نماید. از الله تعالی می‌خواهم تا من و شما و تمامی دعوت کننده‌های مسلمان و امامان آنها و عموم آنها را از این بلای خطرناک حفظ نماید و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم و صلی الله و سلم و باریک علی نبینا محمد، و علی آله و أصحابه أجمعین.

###

#### کتابهای مؤلف

فضائل الصیام و قیام رمضان	49	العروة الوثقی فی ضوء الكتاب والسنة	1
الصیام فی الإسلام	50	بیان عقیده أهل السنة والجماعة و لزوم اتباعها	2
العمره والحج والزیارة فی ضوء الكتاب والسنة	51	شرح العقیة الواسطیة	3
مرشد المعتمر والحاج والزائر	52	شرح أسماء الله الحسنی فی ضوء الكتاب والسنة	4
رمی الجمرات فی ضوء الكتاب والسنة	53	الفوز العظیم والخسران المبین	5
مناسک الحج والعمره فی الإسلام	54	النور والظلمات فی الكتاب والسنة	6

(1) انظر: الفوائد لابن القيم، ص 267-268.  
 (2) انظر: کتاب الإخلاص للعوايشة، ص 64-66.

7	نور التوحيد وظلمات الشرك في ضوء الكتاب والسنة	55	الجهاد في سبيل الله: فضله، وأسباب النصر على الأعداء
8	نور الإخلاص وظلمات إرادة الدنيا بعمـل الأخـرة	56	المفاهيم الصحيحة للجهاد في ضوء الكتاب والسنة
9	نور الإسلام وظلمات الكفر في ضوء الكتاب والسنة	57	الجهاد في الإسلام
10	نور الإيمان وظلمات النفاق في ضوء الكتاب والسنة	58	الربا: أضراره وآثاره في ضوء الكتاب والسنة
11	نور السنة وظلمات البدعة في ضوء الكتاب والسنة	59	من أحكام سورة المائدة
12	نور التقوى وظلمات المعاصي في ضوء الكتاب والسنة	60	الحكمة في الدعوة إلى الله تعالى
13	نور الهدى وظلمات الضلال في ضوء الكتاب والسنة	61	مواقف النبي صلى الله عليه وسلم في الدعوة إلى الله تعالى
14	قضية التكفير بين أهل السنة وفرق الضلال	62	مواقف الصحابة رضي الله عنهم في الدعوة إلى الله تعالى
15	الاعتصام بالكتاب والسنة	63	مواقف التابعين وأتباعهم في الدعوة إلى الله تعالى
16	تبريد حرارة المصيبة في ضوء الكتاب والسنة	64	مواقف العلماء عبر العصور في الدعوة إلى الله تعالى
17	عقيدة المسلم في ضوء الكتاب والسنة (2/1)	65	مفهوم الحكمة في ضوء الكتاب والسنة
18	أنواع الصبر ومجالاته في ضوء الكتاب والسنة	66	كيفية دعوة الملحد إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
19	آفات اللسان في ضوء الكتاب والسنة	67	كيفية دعوة الوثنيين إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة

20	ظهور المسلم في ضوء الكتاب والسنة	68	كيفية دعوة أهل الكتاب إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
21	منزلة الصلاة في الإسلام في ضوء الكتاب والسنة	69	كيفية دعوة عصاة المسلمين إلى الله تعالى في ضوء الكتاب والسنة
22	الأذان والإقامة في ضوء الكتاب والسنة	70	مقومات الداعية الناجح في ضوء الكتاب والسنة
23	شروط الصلاة في ضوء الكتاب والسنة	71	فقه الدعوة في صحيح الإمام البخاري رحمه الله (2/1)
24	فرة عيون المصلين ببيان صفة صلاة المحسنين في ضوء الكتاب والسنة	72	الذكر والدعاء والعلاج بالرقى من الكتاب والسنة (4/1)
25	أركان الصلاة وواجباتها في ضوء الكتاب والسنة	73	الدعاء من الكتاب والسنة
26	سجود السهو: مشروعيته ومواضعه وأسبابه في ضوء الكتاب والسنة	74	حصن المسلم من أذكار الكتاب والسنة
27	صلاة التطوع: مفهوم فضائل وأقسام وأنواع في ضوء الكتاب والسنة	75	ورد الصباح والمساء في ضوء الكتاب والسنة
28	صلاة الجماعة: مفهوم، فضائل، وأحكام، وفوائده، وآداب	76	العلاج بالرقى من الكتاب والسنة
29	المساجد، مفهوم، فضائل، وأحكام، وحقوق، وآداب	77	شروط الدعاء وموانع الإجابة
30	الإمامة في الصلاة في ضوء الكتاب والسنة	78	نور الشيب وحكم تغييره في ضوء الكتاب والسنة
31	صلاة المريض في ضوء الكتاب والسنة	79	قيام الليل: فضله وآدابه في ضوء الكتاب والسنة
32	صلاة المسافر في ضوء الكتاب والسنة	80	صلاة الأرحام في ضوء الكتاب والسنة
33	صلاة الخوف في ضوء الكتاب والسنة	81	بر الوالدين في ضوء الكتاب والسنة

34	34	82	سلامة الصدر في ضوء الكتاب والسنة
35	35	83	ثواب القرب المهداة إلى أموات المسلمين في ضوء الكتاب والسنة
36	36	84	وداع الرسول صلى الله عليه وسلم وأسبابه
37	37	85	رحمة للعالمين محمد رسول الله سيد الناس
38	38	86	الغفلة: خطرها وأسبابها وعلاجها
39	39	87	الثمر المجتنب مختصر شرح أسماء الله الحسنى (تحت الطبع)
40	40	88	عظمة القرآن الكريم وتعظيمه وأثره في النفوس والأرواح
41	41	89	مجموع الخطب المنبرية (تحت الطبع)
42	42	90	تصحيح شرح حصن المسلم في ضوء الكتاب والسنة
43	43	91	مواقف لا تنسى من سيرة النبي رحمة الله
44	44	92	إجابة النساء في فضوه النسوة العظيمة
45	45	93	أراج الأراج في سيرة الحجاج: تأليف عبدالرحمن بن سعيد رحمه الله (تحقيق)
46	46	94	الجنة والنار: تأليف عبدالرحمن بن سعيد بن علي رحمه الله (تحقيق)

95	غزوة فتح مكة: تأليف عبدالرحمن بن سعيد بن علي رحمه الله (تحقيق)	47	صدقة التطوع في ضوء الكتاب والسنة
96	سيرة الشاب الصالح عبدالرحمن بن سعيد بن علي وهف رحمه الله	48	الزكاة في الإسلام في ضوء الكتاب والسنة